

آزادی

کو آن دلی که نلرزد برایی آزادی
کو آن سری که ندارد هوایی آزادی
هزار شوکت و شأن و مقام و دولت و جاه
نمی رسد به کف و خاک پاییی آزادی
نمی جهد دگر آن قلب مستبد به تپش
دمی که سر کشد این دل نوایی آزادی
ز آسمان اسارت اگر دمد خورشید
نمی رسد به شب سرمه ساییی آزادی
نمیشود ملت آزاد از اسارت غیر
که تارود نه به سر، از قفای آزادی
قفس اگر چه بود از زر و نگین و گهر
برای طوطی بود به، فنایی آزادی
«کجاز بندگی آزاد می شود» واهب
که بند بندگی گردیده پای آزادی

20-08-2014

صالحه واهب واصل

هالند